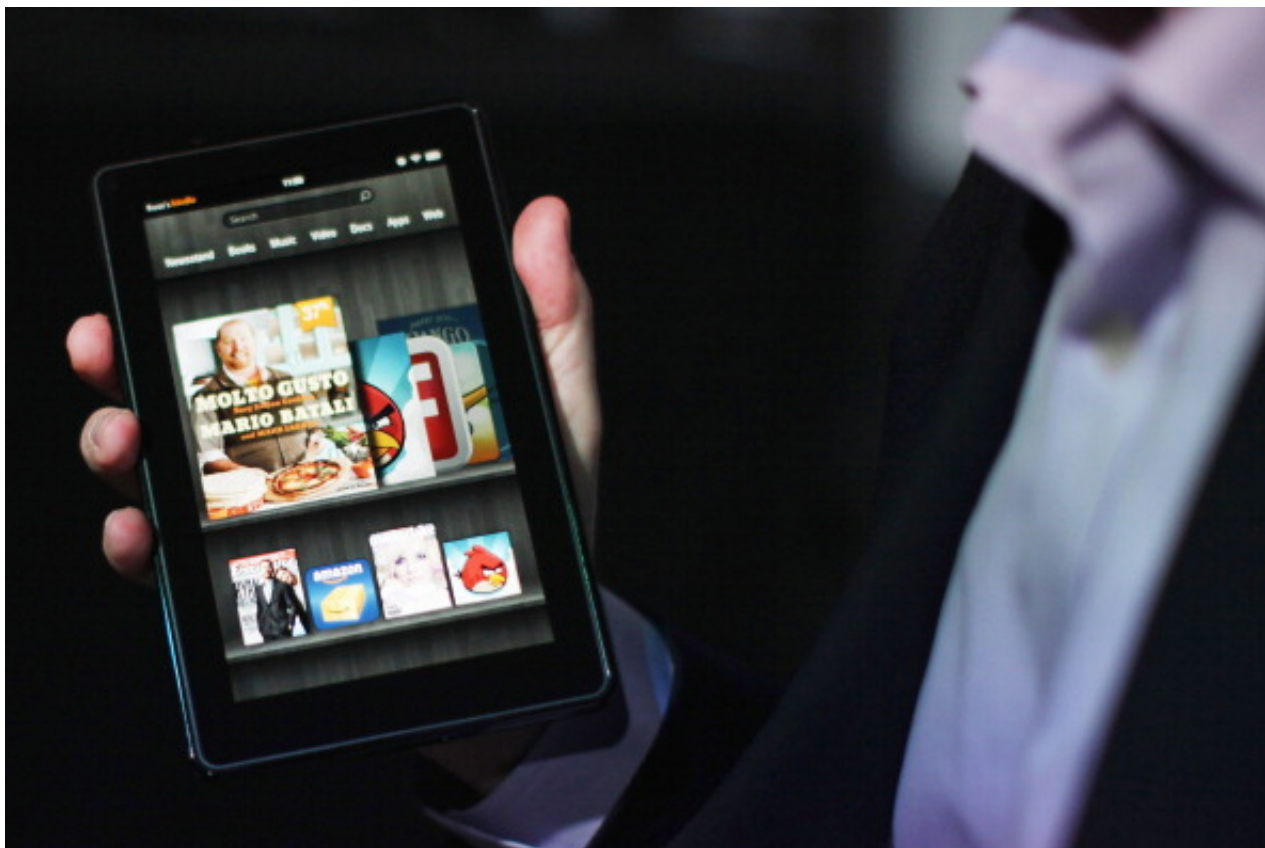


چرا آمازون باید پلیس ذائقه و نجابت ما باشد؟

این فروشگاه اینترنتی به خاطر کسب درآمد از فروش کتاب‌های الکترونیکی که ترور و خشونت را به تصویر می‌کشند مورد انتقاد قرار گرفته است. هیچ کس نباید به ما بگوید چه بخوانیم. جو گلانویل می‌گوید:



آمازون بار دیگر زیر رگبار انتقادات قرار گرفته است، این بار به خاطر کسب درآمد از فروش کتاب‌های الکترونیکی در باب ترور، نفرت و خشونت. انجمن مسلمانان بریتانیا از آمازون خواسته تا "مسئولیت‌پذیری در خوری" برای محتوای کتاب‌های اینترنتی موجود در وبسایتش داشته باشد. گزارش شده است که در یکی از کتاب‌های الکترونیکی در حال فروش، تصاویر سوختن قرآن و یک زن به دار آویخته شده وجود دارد.

همه کتاب‌فروشی‌ها با فروش کتاب‌هایی که درباره ترور و خشونت هستند، کسب درآمد می‌کنند؛ چه ایلید هومر باشد، چه سقوط بولارد – اما به نظر می‌رسد که کتاب‌فروشی‌های مجازی تهدید جدیدی برای اخلاق عمومی ایجاد کرده‌اند. در دوره‌ای، می‌توانستیم بر مراکز نشر سنتی تکیه کنیم تا در مورد چاپ موارد مربوط به خشونت و منافی عفت تصمیم بگیرند، اما امروز هرکسی می‌تواند این کار را بکند.

آخرین باری که آمازون به خاطر کتابی درباره افراد بچه باز (paedophilia) با انتقادات گسترده مواجه شد، در ابتدا به طور ظریف و جسورانه‌ای به دفاع از تصمیم خود پرداخت. آمازون با طرح اینکه عدم فروش یک کتاب به بهانه ایراد داشتن پیام آن به عقیده ما یا دیگران، نوعی سانسور به حساب می‌آید و مدعی شد که حرکتش حمایت از حقوق افراد است تا خودشان تصمیم بگیرند که خرید کنند یا خیر. هرچند که سرانجام آن کتاب برداشته شد. یک ماه بعد هم، گزارش شد که آمازون تم‌های غیر اخلاقی و اروتیک را از بخش فروش کیندل خود حذف کرده است. این مسئله هم‌زمان بود با وقتی که سایت ویکی‌لیکس تحت فشار بود که قوانین و مقررات خودش را نقض

کرده و فعالان حقوق بشری را در خطر قرار داده است.

تناقض موجود در آمازون، آن را در مقابل فشارها آسیب‌پذیرتر هم کرده است. دستورالعمل آمازون درباره محتویات مجرمانه که می‌گوید: **«آنچه که ما مجرمانه می‌بنداریم به احتمال قوی همان چیزی است که شما انتظار دارید»**، به همان اندازه مشکل‌گشاست که حکم پنجاه سال قبل دادگاه عالی ایالات متحده در مورد پورنوگرافی خشن: **«من وقتی آن را ببینم، می‌فهمم»**. هرچند که ابهاماتی از این دست، گستره وسیعی برای آزادی بیان فراهم می‌کند، اما در مواقعی که اعتراض‌های اخلاقی به اندازه کافی باشد، برای آمازون سخت خواهد بود که در برابر آن ایستادگی کند. به نظر می‌آید که دستورالعمل‌های واضح‌تری نیاز است تا از آزادی بیان در محیط آن‌لاین محافظت کند؛ این دستورالعمل‌ها باید شامل محتویاتی که موجب بزه می‌شوند هم باشد. انتظار از کتاب‌فروشی‌ها و انتشارات مجازی برای به عهده گرفتن نقش پلیس ذائقه و پاکی، سانسور لجام‌گسیخته مبتنی بر معیارهای ذهنی را به همراه خواهد داشت.

روند محاکمه پرونده معروف امر منافی عفت در دهه 60 و 70 میلادی از جمله معدود موارد حمایت از آثار و متون بزرگ (نمونه ای از حق بر آزادی بیان که در معرض خطر بود) بدون توجه به کیفیت محتویاتشان به شمار می‌رود. اندکی قبل از فوتش، **جان مورتیمور** نویسنده و وکیل بزرگ (که بیشتر دفاع از پرونده‌های منافی عفت را بر عهده داشت) در **مصاحبه‌ای با مجله «شاخصی برای سانسور»** به دفاعیات معروفش از سردبیران **مجله Oz** اشاره کرد. یکی از شماره‌های **Oz** که توسط بچه‌های مدرسه تهیه شده بود، با استناد به قانون انتشار موارد منافی عفت در سال 1971، تحت تعقیب قضایی قرار گرفت. دلیل اصلی آن کارتونی درباره مسائل جنسی روبرت بیر بود. مورتیمور در این باره به من گفت که **«ما از یک چیز و یا یک میزان مشخصی از شایستگی دفاع نمی‌کردیم»**، **«ما از یک اصل دفاع می‌کردیم، به اعتقاد من نباید هیچ سانسوری وجود داشته باشد و هیچ‌کس نباید بتواند به شما بگوید که چه چیزی را بخوان و یا بنویس. این مسئله کاملاً به خود شما مربوط است.»** او معتقد بود که این اصلی بود که در نسل بعد، تضعیف شد.

سه سال پیش، برخی سعی کردند تا یک کارمند دولتی را به خاطر انتشار یک فانتزی جنسی خشونت‌آمیز در مورد **Aloud Girls** در اینترنت، با استناد به قانون انتشار امر منافی عفت محاکمه کنند. در آن مورد تجاوز جنسی، قتل و قطع کردن اعضای بدن اعضای این گروه موسیقی پاپ توصیف شده بود – که ارزش ادبی شایسته‌ای نیست، اما به هر حال فقط یک فانتزی بود و غیرقانونی به شمار نمی‌رفت. **میثم تیرئه شد** اما این تصمیم عاقلانه، به کشمکش‌ها و نگرانی‌های اخلاقی دنباله‌دار که توسط حاکمیت تقویت می‌شد، پایان نداد.

درخواست سانسور و انتظار از واسطه‌های آن‌لاین برای ایفای نقش پلیس اینترنت، به خواسته‌ای متداول بدل گشته است. بنابراین نیاز است که بر آن اصل بنیادین تأکید کنیم: حق بر خواندن هر آنچه که دوست داریم.

جو گلانوئل سردبیر مجله «شاخص سانسور» است.

این مقاله ابتدا در **Comment is Free** منتشر شد.

منتشر شده در ژوئن 27, 2012